

مردم حکومت و مصلحت

مرضیه بایه
پژوهشگر سیاسی



- بررسی تطبیقی تعامل مردم و حاکم از دیدگاه امام محمد غزالی و امام خمینی (ره)
- محمد منصورنژاد
- شیرین عزیزی مقدم (ویراستار)
- پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی
- ۱۳۸۲، ۳۶۸ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، ۲۰۰۰ تومان

(۲) غایت نوشتار نیز پاسخگویی به این سؤال بنیادین است که آیا دین اسلام برای قرن جدید در عرصه مسائل سیاسی و پرسشهای تازه مربوط به نقش مردم در نظام سیاسی، پاسخ جدی و درخور توجه دارد؟ یعنی، آیا می‌توان از ارتباط وثیق دین و سیاست سخن گفت و هم در درون این گفتمان از حقوق آحاد مردم نیز دفاع نمود؟ پاسخ مثبت به این پرسش که در راستای فرضیه پژوهش است، دستاورد نظری بسیار مهمی است و اندیشه سیاسی موجود در رشته علوم سیاسی را وارد گستره و ژرفای جدید در مباحث حکومتداری می‌کند.

(۳) فصل اول کتاب به موضوع روایی یا ناروایی مقایسه امام محمد غزالی و امام خمینی اختصاص یافته و پرسش اساسی فصل آن است که آیا می‌توان دو نظریه و دو اندیشمند را در هر شرایطی با هم مقایسه نمود؟ پاسخ اجمالی به این سؤال منفی است. مجموعه شاخصه‌های امکان‌پذیر بودن و یا نبودن مقایسه دو اندیشمند و یا دو نظریه از دو جهت قابل طرح‌اند: (۱) از جهت منطقی و روش‌شناسی، بر اساس متغیرهایی مانند اختلاف یا اشتراک در مبنا، وجود یا عدم میدانهای پژوهشی مشترک، ربط یا بی‌ارتباطی بحث با فرضیه پژوهش؛ (۲) از جهت بردن منطقی و سودمندی که در این کتاب دو اندیشمند مورد بحث با متغیرهایی چون ادعای احیا و ابداع، تأیید عرفا و متصوفه و نقد آنها، ضدیت با فلسفه یونانی و یونانی زدگی، تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی علوم ... مورد مقایسه قرار گرفته و پس از مباحث تفصیلی روایی مقایسه آن

کتاب بررسی تطبیقی تعامل مردم و حاکم از دیدگاه امام محمد غزالی و امام خمینی رساله دکتری‌ای است که در دانشگاه تهران از آن دفاع شده و در سال ۱۳۸۲ از سوی پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی منتشر شده است. چند نکته درباره این کتاب قابل طرح است: (۱) موضوع پژوهش حاضر که بر تعامل مردم و حاکم از نگاه دینی تمرکز دارد، از آن رو مسئله برانگیز است که مدعی است: اولاً بعضی از اندیشه‌های متفکران اسلامی از چارچوب سنتی فراتر می‌رود؛ و ثانیاً: در تعامل مردم و حاکم، نقش و جایگاه ویژه‌ای برای مردم قائل است. این مدعا از آن رو که کاملاً در مقابل اندیشه سیاسی تجدد و پارادایم حاکم بر اندیشه سیاسی معاصر قرار می‌گیرد، نکات و گره‌های تحقیق‌پذیر فراوان دارد.

برای بررسی دقیق‌تر مدعا، دو متفکر و اندیشمند اسلامی، یعنی امام محمد غزالی و امام خمینی به عنوان دو نماینده مذاهب مشهور این دین، یعنی تسنن و تشیع برگزیده شده‌اند، تا در یک مقایسه به پرسش اساسی پژوهش، پاسخ داده شود که در موضوع تعامل بین مردم و حاکم، نسبت اندیشه امام خمینی و امام محمد غزالی با اندیشه سیاسی سنتی چیست؟ پاسخ به این پرسش که فرضیه نوشتار حاضر را نیز دربرمی‌گیرد آن است که در حالی که، اندیشه سیاسی غزالی در پارادایم اندیشه سیاسی سنتی تحلیل‌پذیر است، اما اندیشه امام خمینی از شاخصه‌های اندیشه سیاسی سنتی فراتر می‌رود.

امام محمد غزالی بر تعریف اصطلاحی فقه اشکال وارد می‌کند و
فقه را به معنای لغوی آن و معنی مستعمل در صدر اسلام که شناخت راه آخرت بود باز می‌گرداند
و امام خمینی نیز از اینکه فقه را به مسائل فردی فروکاسته و از ابعاد اجتماعی تهی نموده‌اند،
شکوه می‌کند

امام خمینی در اواخر عمرشان در تدبیر نظام اسلامی به آنجا می‌رسند که
گره‌گشای بسیاری از مشکلات را طرح موضوع مصلحت می‌دانند

دو اندیشمند مورد بحث، مسئله سیاست را زیر
مجموعه فقه قلمداد کرده‌اند و در تدبیر
نظام و تهیه قوانین مربوط به نظام
سیاسی، پای فقها را به میان
کشاده‌اند. و در عین حال، هر
دو با فقه مصطلح مشکل
داشتند. امام غزالی حتی بر
تعریف اصطلاحی فقه
نیز اشکال وارد می‌کند
و فقه را به معنای
لغوی آن و معنی
مستعمل در صدر
اسلام که شناخت راه
آخرت بود باز می‌گرداند و
امام خمینی نیز از اینکه
فقه را به مسائل فردی
فرو کاسته و از ابعاد
اجتماعی تهی نموده‌اند، شکوه
می‌کند.

(۷) از مفاهیم مهم در مباحث
سیاسی مفهوم مصلحت است. غزالی و
امام خمینی هر دو از مؤسسان بحث
مصلحت‌اند. اهل سنت در بحث مصلحت به غزالی ارجاع
می‌دهند و امام خمینی در شیعه مفهوم مصلحت را از مقام ثبوت به مقام
اثبات آورده و از حالت فردی و موردی، به صورت جمعی و نهادینه درآورد
و هر دو اندیشمند، بحث مصلحت را در ابعاد متعدد (دینی، غیر دینی،
فردی، جمعی و...) مورد مذاقه قرار دادند.

غزالی بحث مصلحت را در علم اصول به صورت مکتوب و مبنایی
به صورت مبسوط به بحث گذاشته است و حال آنکه امام خمینی در
اواخر عمرشان در تدبیر نظام اسلامی به آنجا می‌رسند که گره‌گشای
بسیاری از مشکلات، طرح بحث مصلحت است. و نیز غزالی در بحث
مصلحت در مقایسه با شرع، مصلحت دارای اعتبار از سوی شرع را
پذیرفته و مصلحت فاقد اعتبار شرعی را باطل می‌داند و آن مصلحتی که
نه بطلان و نه اعتبار آن در شرع آمده، تنها در صورت ضروری بودن
مورد پذیرش است. اما نگرش امام خمینی و تأکید ایشان بر بحث
مصلحت سبب شد که حتی در تعارض شرع و مصلحت، شرع، موقتاً
بر اساس مصلحت و به نفع مصلحت تعطیل گردد.

دو مدلل می‌گردد.

(۴) فصل دوم دیدگاه‌های سیاسی
امام محمد غزالی و در فصل سوم به
دیدگاه‌های سیاسی امام
خمینی پرداخته شده و
مباحثی چون مفهوم
سیاست و ارتباط آن با
دین، ماهیت و
خصوصیات حکومت
اسلامی، ضرورت
حکومت، مفاهیمی
چون مصلحت، قانون،
عدالت، تعامل حاکم و
مردم و... به تفصیل
مورد بحث قرار گرفته و
در فصل نهایی،
دیدگاه‌های سیاسی این دو
متفکر در بسیاری از
موضوعات مقایسه شده است.
در مباحث یاد شده قبلاً نیز

پژوهشهایی صورت گرفته است. اما برای
فرضیه نوشتار حاضر، ادبیات چشمگیری

وجود ندارد. زیرا در هیچ یک از منابع بررسی شده از
منظر این تحقیق، به موضوع نگریسته نشده است تا به صورت تطبیقی،
اولاً سنتی بودن اندیشه سیاسی غزالی و فراسنتی بودن اندیشه سیاسی
امام خمینی مورد مقایسه قرار گیرد؛ و ثانیاً در تعامل مردم و حاکم در
اندیشه غزالی عمدتاً بر نقش حاکم و در اندیشه سیاسی امام خمینی بر
حقوق متقابل مردم و حاکم و خصوصاً بر حقوق مردم تأکید گردد.

(۵) مطالب فصول از سه زاویه جمع‌آوری شده‌اند: بخشی از مطالب،
توصیفی از متون اصلی مربوط به غزالی و امام خمینی (ره) است که یا
عیناً و یا با واسطه از آثار آنها نقل شده است. بخش دیگری از مطالب،
آرا و دیدگاه‌های اندیشمندان گوناگون درباره اندیشه سیاسی امام محمد
غزالی و امام خمینی (ره) است و نهایتاً در بخش سوم به عنوان
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، برداشتهای نگارنده از مطالب پیشین آمده
است.

(۶) از پرسشهایی که ذیل این پژوهش جای طرح دارد آنکه جایگاه
علم سیاست در طبقه‌بندی علوم از نگاه این دو اندیشمند کجاست؟ هر